

## همت اگر سلسله‌جنبان شود

### گزیده‌ای از گفت‌وگوی عبدالحسین آذرنگ با داوود موسایی<sup>۱</sup>

■ ... به آقای بروخیم می‌گفتم چرا به فرهنگ‌های حمیم لغت جدید اضافه نمی‌کنید. فکر می‌کنم اگر این روال را ادامه دهید فرهنگ‌های جدید آریان‌پور جای این فرهنگ‌ها را خواهد گرفت و به تدریج فروش آنها کم خواهد شد. مرحوم بروخیم در جواب می‌گفت این کار حال و حوصله و آدم پرانرژی می‌خواهد که من هیچ‌کدام از آنها را ندارم. تا اینکه بر حسب اتفاق این قرعه به نام خودم افتاد و حالا باید همان کارهایی را انجام می‌دادم که روزی به ناشر قبلی توصیه کرده بودم و از اینجا بود که وارد حوزه نشر کتاب‌های مرجع شدم.

■ ... از مرحوم عظیمی بسیار آموختم و همیشه خودم را مدیون او می‌دانم. یادم هست گاهی بعضی از صحاف‌هایی که برای ایشان کار می‌کردند کارشان اشکال داشت و ایشان علت اشکال کار را می‌پرسید، خیلی از آنها در پاسخگویی در می‌ماندند و نمی‌دانستند چرا این اشکالات پیش می‌آید. این موارد حس کنجکاوی مرا بیدار می‌کرد. از مواردی که به یاد دارم این است که زمانی که کارگاه صحافی داشتیم اشکال پس و پیش بودن فرم یا سفید بودن صفحات فرم در کارهایمان خیلی پیش می‌آمد و هر چه کنترل می‌کردیم کمتر نتیجه می‌گرفتیم. روزی به فکر رسیدم چرا کتاب‌های چاپ خارج خالی از این اشکالات است. یک فرهنگ وبستر خریدم و آن را شکافتم و جزئیات آن را یک‌به‌یک بررسی کردم و راه برطرف کردن اشکالات را پیدا کردم و بعداً در کار نشر به کار بردم. نتیجه آن شد که امروز می‌توانم ادعا کنم کتاب‌های انتشارات فرهنگ معاصر با کمترین ضایعات و نقص منتشر می‌شود.

■ ... خودم را در حد عبدالرحیم جعفری نمی‌دانم، اما این را از روی تجربه سال‌های آشنایی با کتاب می‌توانستم درک کنم که جامعه‌ای نو در حال شکل‌گیری است و فرهنگ‌های قدیمی دیگر پاسخگوی نیازها نیست. خریداران موقع خرید فرهنگ از کتاب‌فروشی‌ها می‌پرسیدند آیا این فرهنگ‌ها جدید است یا همان فرهنگ‌های قدیمی است و آیا لغات جدید دارند یا چاپ دیگری از همان فرهنگ‌های قدیمی است. جامعه خواستار کارهای تازه بود. با خود فکر کردم اگر من بتوانم نوع عالی فرهنگ‌های موجود را تولید کنم، امید موفقیت وجود دارد. بر اساس همین فکر بود که واحد پژوهش فرهنگ معاصر راه‌اندازی کردم.

■ ... از جمله کسانی که آقای خرمشاهی برای این کار معرفی کردند آقای کریم امامی بود. با ایشان چند جلسه مذاکره داشتیم. ایشان صبر و تأمل را توصیه می‌کردند. به یاد دارم چند بار به من گفتند این قدر عجله نکن. اصطلاحی به کار می‌بردند که هنوز خوب به یادم مانده است: «بگذار آبی به آسیابت بیفتد، بعد این کارها را بکن.» جواب من هم تکراری بود: «دیر می‌شود.» در هر صورت ایشان از روزآمد کردن فرهنگ‌های حییم بنا به دلایلی خودداری کردند، تا اینکه روزی آقای خرمشاهی به من زنگ زدند که آیا هنوز می‌خواهی این کار را انجام بدهی. جواب من مثبت بود. ایشان گفتند که اخیراً با فردی آشنا شده‌اند که تحصیلات زبان‌شناسی را در دانشگاه لندن تمام کرده و هم انگلیسی و هم فارسی ایشان بسیار خوب است و فکر می‌کنم ایشان همان کسی است که می‌خواهی. ایشان دکتر علی محمد حق‌شناس بود. به‌زودی ترتیب قراری گذاشته شد و بعد از چند جلسه گفت‌وگو و مذاکره بعد از چند ماه کار شروع شد که این به عبارتی شروع تأسیس واحد پژوهش فرهنگ معاصر شد.

■ ... روزی به دنبال مدخلی در زمینه هنر می‌گشتم، متوجه شدم در زبان فارسی فرهنگ یا دایرةالمعارفی نبود که به پرسش‌م پاسخ دهد. به فکر افتادم فرهنگی در زمینه هنر منتشر کنم. با آیدین آغداشلو مشورت کردم. ایشان پیشنهاد کردند بهترین فرد برای این کار رویین پاکباز است. ایشان را به همکاری دعوت کردم و پذیرفتند و کارشان را شروع کردند. آقای پاکباز یکی از منظم‌ترین مؤلفانی است که تاکنون دیده‌ام. ایشان به‌دقت بررسی کردند و پروژه‌ای تعریف کردند و مشخصات پروژه را به‌صورت دست‌نویسی با جزئیات کامل ارائه دادند. قرار بود کار حدود دو سال طول بکشد. فکر می‌کنم تألیف آن حدود چهار سال و نیم طول کشید و تا وقتی منتشر شد حدود هفت سال شد.

■ ... تألیف و چاپ فرهنگ باطنی هفت سال طول کشید. وقتی منتشر شد، ما فکر کردیم حداقل باید ده‌هزار نسخه چاپ کنیم. فکر می‌کردیم در نمایشگاه کتاب تماماً به فروش خواهد رسید، غافل از اینکه با کلی تدبیر توانستیم حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ نسخه از آن بفروشیم و حالا ما بودیم و حدود ۹۷۰۰ فرهنگی که در انبار مانده بود. قاعدتاً با این تجربه، کار پژوهش و تألیف را باید تعطیل می‌کردیم، اما من اعتقاد داشتم اصل کار صحیح است. اشکال کار را باید پیدا کرد. این تعداد را فکر می‌کنم ظرف حدود یک سال و نیم فروختیم. سال بعد این فرهنگ کتاب سال شد. با تدابیری که در پیش گرفتیم کتاب جای خودش را باز کرد و تا ۱۳۷۷ که ویراست دوم آن منتشر شد چندین بار در تیراژهای متفاوت تجدید چاپ شد.

---

۱ آذرنگ، عبدالحسین و علی دهباشی: «سلسله گفت‌وگوها پیرامون نشر و فرهنگ، گفت‌وگوی بیستم با داوود موسایی، ناشر منابع مرجع»، بخارا، ش ۳۲ (مهر و آبان ۱۳۸۲): ۱۴۲-۱۶۲.